

## همسخی اندیشه های عرفانی سنائی غزنوی با خواجه عبدالله انصاری



اندیشه سنائی در رویکرد خداشناسی با قالب ریزی تشبیهات و تنبیهات ، معرفت هستی را در دایره کثرت به تأمل اثبات وجود و توحید به زبان می پیراهد . و آمیزش عشق و محبت را منحصیث یکی از وسیله شناخت سرچشمه معرفت عرفانی اش قرار می دهد .

با تائید این اسلوب که نیروی جوهرذاتی عشق نقش تولیدی ای در معرفت عرفانی دارد با این نگرش، ماعشوق را تراوش احساس، کشش و ربایش ذاتی قلب می دانیم که بوسیله حسن محبت در تمایل بر کسی و یا چیزی چیره می گردد.

آموخته به این اصل اقرار باید کرد که آمیزش عشق و محبت نسبت به شناخت خلقت و خالق هستی اساس معرفت عرفانی را می سازد . در هماهنگی نیروی جوهرذاتی عشق و محبت است که عارفان با صافی صفای روح موفق به فهم کنه هستی و کثرت جهان مادی و معنوی و کشف رمز توحید و وحدت وجود می شوند . جهت گیری اختلافات و اشتراکات شیوه معرفت فلسفی و عرفانی هم در این دو نگرش شناخت ، نهفته هست . چنانیکه فلاسفه در روند شناسی جهان هستی و ذات حق به برهان عقل ، استدلال و تجربه متکی بوده ، سازوار و فراخور به آن - عارفان ، بر رجحان دادن شیوه تعقل ، سلوک تطبیقی و دخالت ایمان بر بنیاد جوهرذاتی عشق و محبت در شناخت خلقت و قدرت آفرینش تأکید می ورزند .

سنایی، نخستین شاعری است که افکار و واژه های عرفانی را با مضامین عاشقانه درآمیخت. " و يك ضلع مثلث (شعر غنایی و تعلیمی و قلندری) ، در کنار عطار و مولوی جای دارد. " (1)

سنائی به پیروی از شیوه بیان اندیشه در قالب اشعار عرفانی : ابوسعید ابوالخیر و خواجه عبدالله انصاری - وی از نخستین کسانی است که غزل را برای بیان تفکرات عرفانی و رویکرد های معرفتی مورد استفاده قرار داد.

او در مثنوی حدیقه حقیقت ، و سایر آثارش :  
ناب ترین مفاهیم و مقولات معرفت عرفانی مثل : « خدا شناسی » و « توحید » ،  
« انسان شناسی » ، « پیرو مرشد » ، « خرقه و خانقا » و « سماع صوفیانه » ،  
« خرابات » ، « زهد گرانی » ، « ابلیس » ، « شطحیات » ، « مرگ » ، « خاموشی » ،  
« عقل و عشق » ، « حرص و طمع » ، « نظام احسن » و غیره را باز شناسی نمود.

سنائی با جهان بینی عارفانه خود مقوله اخلاقی زهد و عرفان را به حیث یک بینش معرفتی وارد مثنوی اندرزی می سازد . (2)  
وی جوهر ذاتی عشق عرفانی در سالک طریق را ستایش می کند و اهمیت وجودی این عشق را در حیات انسانی شایسته بیان می نماید ، نماد خوشبختی انسان را از عشق می آغازد و در عشق می انجامد . (3)

پژوهش و تحقیقات عرفانی سنائی بی تأثیر از اندیشه های خواجه عبدالله انصاری نبوده است . اصولی علمی ای که به همت سنائی آغازور شد غنا و تکامل داده شد ، ادامه دهنده راه معرفت عرفانی حوزه تمدنی خراسان زمین بوده که بوسیله عطار نیشابوری تداوم یافت و در شعر مولانا جلال الدین بلخی به اوج خود رسید.

از نظر سنایی، مرگ پایان زندگی نیست ؛ بلکه دروازه زندگی ابدی و جاودانه است . هدف از زندگی دنیا جز این نیست که انسان را برای يك زندگانی کاملتر و ابدی آماده کنند . البته مرگ ، سرآغاز آن زندگی نوین است و بشر با مرگ از منزلتی موقت و عاریتی، به منزلتی دیگر که زنده و جاودانه است منتقل می شود . (4)

البته او در بحث ماهوی تعریف مقوله مرگ ، شرحی در مورد ابعاد وجودی زندگی ابدی و جاودانه نمی دهد . و این شرحه را به تأمل عقل و سلوک تطبیقی قرار نداده بلکه در حصار ایمان و عقیده خویش آنرا پوشیده می گذارد .

از دید همسخی اندیشه ، این موضوع در آموزش مقامات معنوی انصاری چنین بیان گردیده است : " فرار بسوی حق برای این است که سالک واصل از لباس هستی عاریتی خارج گردد بسر عبودیت که ترک خود پرستی است برسد وجه رب را دریابد » بقاء ابدی « پیدا کند . " (5)

در اینجا بکاربری « زندگی ابدی و جاودانه » سنایی ، در حقیقت بیان معنایی « پیدایی بقاء ابدی » آموزش انصاری است .

ترویج آموزه های زهد و عرفان نیز از مهم ترین محورهای موضوعی در قصاید سنایی است . نكوهش دنیا، مرگ اندیشی، توصیه به گسستن از آرزوهای بی حد و حصر،

ترویج قناعت پیشگی و مناعت طلبی، کوشش برای به جوشش در آوردن گوهر حقیقی آدمی، از مضامین رایج قصاید اوست. (6)

بکارگیری واژه های : 1 - « مرگ اندیشی »، 2 - « نکوهش دنیا » ، 3 - « زهد » و غیره در رویکرد های عرفانی سنایی از جمله موضوعاتی است که به مراتب در آموزش عرفانی انصاری مورد بررسی قرار گرفته است .

## 1 - درمقایسه واژه « مرگ اندیشی » :

مرگ در نظر سنایی یعنی تعالی روح و رسیدن به معبود است. سنایی سیمای مرگ و حیات را، در ابعاد گسترده آن، مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد. مرگ ارادی (اختیاری) را، ریاضت و تهذیب نفس و راز دستیابی به زندگی جاودانی را ، نایل شدن به چنین مرگی می داند.

او میگوید : آدمی با برنامه های خدایی و عرفانی بر خودبینی و انانیت خود چیره آید و دیو نفس را به زنجیر عقل و ایمان درکشد تا به تهذیب درون و صفای نهان رسد. این اندیشه در آموزش عرفانی خواجه عبدالله انصای به گونه دیگری بیان گردیده است . اودر کتاب - مقامات معنوی... خود مقام « راز دستیابی به زندگی جاویدانی سنایی را » که آخرش « مرگ ویا چیره شدن بدیو نفس » است ، مقام صدق و مقام جای امن و مقام خواست حق سالک طریق می داند .

با این نگرش انصاری راه رسیدن به این سه مقام معنویت ( صدق ، جای امن ، خواست حق ) ، را مجاهدت علیه خواسته های نفس تلقی می کند . و اندیشه انصاری " تهذیب نفس و مجاهدت علیه خواسته های نفس و رسیدن بمقام معنوی ( صدق ، جای امن ، خواست حق ) " از دید علمی هردو اندیشه در همسنخی تام قرار دارند و یک هدف مشخص را پیگیری می کنند .

## 2 - درمقایسه واژه « نکوهش دنیا » سنایی مینویسد :

مبارز او بُود کاوّل ، غزا با جان و تن گیرد  
ز کوی تن برون آید ، به شهر دل وطن گیرد  
اگر خواهد بقا یابد ، بیاید مردنش اول  
اگر معرفتی باشد که هم از خویشتن گیرد. (7)

سنایی در این شعر دو موضوع را مطالعه می کند یکی : تأکید برون رفتن از کوی تن و جاگزینی به « شهر دل » منحیث مکان امن جاویدان ، دیگری شناخت ممکنه های طلب بقاء. این مطلب سنایی : " تأکید برون رفتن از کوی تن " در اندیشه انصاری بمفهوم « فناء » و « جایگزینی به شهر دل » بمعنای « بقاء » بررسی گردیده است . از دید انصاری " بقاء عنوانی است برای آنچه باقی است ( وجه حق ) بعد از فناء شواهد و سقوط آنها . " فناء عارض بر خلق و بقاء وارد برحق است. " و باز در مورد فناء می گوید :

یا رب ار فانی کنی ما را به تیغ دوستی  
مرفرشته ی مرگ را با ما نباشد هیچ کار(8)

دنیا و آخرت یکی از مباحث محوری اندیشه سنایی است.  
در نگرش سنایی دنیا و آخرت دو ضد همدیگرند که باید دنیا را رها کرد و به آخرت  
رسید. (9)

سنایی در معرفی مراتب عشق خود به معبودش دخالت اندیشه ودین را نفی می کند  
ورضاکارانه حاضر به تقدیم جان به جانان می شود. (10)  
انصاری در معرفی مراتب عشق خود به بمعبودش ، وجود شریعت و دینداری رانفی  
نکرده بلکه اجرای مناسک دین و شریعت را منحصبت بسترمناسب برای صفای نفس در  
سیر سلوک عارف بسوی مقام حق تلقی میکند . چنانچه در بحث نهایات می فرماید " ...  
از سنت و شریعت متابعت کامل شود و هیچ کاری انجام نشود؛ مگر این که در سنت وارد  
شده باشد؛

3 - « زهد » :

سنایی به تعریف دین و زهد نیز پرداخته است. وی دین را مقید به حکم و فرمان خدا و  
زهد را رویگردانی از غیر خدا می داند. دین سرباز زدن از خواست. و هوا و هوس خود  
است و زهد نادیده انگاشتن هرچه غیر خداست .

دین نباشد با مراد و با هوا در ساختن

دین چه باشد؟ خویشتن در حکم دیان داشتن

زهد چبُود؟ هر چه جز حق روی از آن برتافتن

زهد نُبُود روی چون طاعون و قطران داشتن (11)

از نظر انصاری : " زهد عبارت است از ترک لذایذ دنیا و هر چیزی که امکان دارد نفس  
آدمی را به طغیان وا دارد. " (12)

تعریف « زهد » در اندیشه انصاری و سنایی مفهوم مشترک و هم مانند دارد زیرا « زهد »  
بقول انصاری ترک لذایذ دنیا است و بقول سنایی روی گردانیدن از همه چیز جز پذیرش  
حال حق . در اینجا رویگردانیدن از همه چیز به مفهوم ترک لذایذ دنیا تعبیر می شود که  
این رویکرد عرفانی سنایی ، از انصاری تأثیر گرفته است .

باعرض حرمت

بصیر کامجو

- 1 - کتاب : " در جستجوی تصوف " ، مؤلف : زرین کوب عبدالحسین ، تهران: چاپ ششم طبع سال 1357 ، ص 338 .
- 2 - رجوع شود به صفحه :
- ( «+»/.../www.cloob.com/ی+مسلمانان+خلایق+حال )
- 3 - رجوع شود به صفحه : ( - www.afghan-blogs.blogfa.com/post-50.aspx )
- 4 - رجوع شود به صفحه : ( www.tebyan.net )
- 5 - مقامات معنوی خواجه عبدالله انصاری ، بقلم محسن بیبا ، ج 1 . ص 83 .
- 6 - حکیم سنایی - دیوان سنایی به کوشش مدرس رضوی طبعسال 1365 ، تهران، چاپخانه رضوی ، ص 101 .
- 7 - حکیم سنایی غزنوی ، به اهتمام مدرس رضوی ، انتشارات کتابخانه سنایی ، سوم 1362 هـ.ش ، ص 136 ، ب 7 .
- 8 - حکیم سنایی غزنوی ، به اهتمام مدرس رضوی ، انتشارات کتابخانه سنایی ، سوم 1362 هـ.ش ، ص 136 ، ب 7 ، ص 211 ، ب 1 .
- 9 - رجوع شود به صفحه : ( www.ghaemiyeh.com/.../dlibrary/?part )
- 10 - رجوع شود به صفحه : گیگا پارس ، دنیای فناوری اطلاعات . سنایی غزنوی در یک نگاه .
- 11 - همانجا .
- 12 - کتاب : صد میدان ، تألیف : خواجه عبدالله انصاری ، باهتمام قاسم انصاری ، تهران - چاپ دوم ، 1360 خورشیدی ، ص 31 - 32 .